



## دیدگاه

## چرا برخی کشورها ثروتمند می‌شوند و برخی دیگر در تله فقر می‌مانند؟



دبیرش فوژدار

استاد اقتصاد دانشگاه هیوستون آمریکا ترجمه محمد علی کریم‌زاده

در سال ۱۹۹۰، ۳۵.۹ درصد از جمعیت جهان در فقر شدید زندگی می‌کردند. این درصد در سال ۲۰۱۹ به ۸.۴ رسید. بنابراین می‌توانیم بگوییم فقر در مجموع رو به کاهش بوده است، اما هنوز صدها میلیون نفر در مجموع کشورهای مختلف جهان با مشکلات معیشتی فراوان دست به گریبانند. مسأله ناراخت‌کننده‌ای که در مورد تداوم فقر جهانی وجود دارد این است که می‌توان آن را در فاصله یک نسل- دست‌کم در درون یک کشور- از بین برد. نمونه کره جنوبی یکی از جالب‌توجه‌ترین مثال‌ها در این زمینه است که ذهن اقتصاددانان بسیاری را به خود مشغول کرده است.

۱. کره جنوبی در سال ۱۹۵۳ و پس از جنگ کره، دچار فقر شدید بود. اکثر زیرساخت‌های آن به‌طور کامل نابود شده بود و مردم آه در بساط نداشتند. اما طی چهل سال، همه چیز تغییر کرد. درآمد سرانه کره جنوبی که بعد از جنگ، از نیجریه و بولیوی هم کمتر بود، امروزه تقریباً معادل بریتانیا است. کره جنوبی نه تنها دیگر کشوری در حال توسعه نیست، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها در رأس ملت‌های توسعه‌یافته قرار دارد. این «معجزه اقتصادی» چطور رخ داده است؟ آیا می‌توان این تجربه را در دیگر کشورها هم تکرار کرد؟

۲. برای توضیح آنچه در کره جنوبی رخ داده بود در اولین قدم «عوامل تولید» بررسی شد. یعنی «سرمایه فیزیکی» مثل ساختمان‌ها و تجهیزات و «سرمایه انسانی» مثل میزان مهارت و دانش کارگران بررسی شد. گرگ منکیو و همکارانش در پژوهشی کلاسیک، با مقایسه ۱۰ کشور نشان دادند هر چه یک کشور میزان بیشتری از تولیدش را صرف توسعه «سرمایه فیزیکی» و «سرمایه انسانی» اش کند احتمال رشد اقتصادی سریع در آنجا بیشتر می‌شود. سرمایه فیزیکی و انسانی بی‌نهایت مهم است، اما این عوامل نشان می‌دهد توسعه در کره جنوبی «چگونه» رخ داد، نه اینکه «چرا» رخ داد. برای پاسخ دادن به چرایی این معجزه اقتصادی باید به دنبال رخدادهای اساسی تری بود.

۳. اقتصاددانان تمایل داشته‌اند علل اصلی رشد اقتصادی را تحت سه مقوله عمده فرهنگ (برای مثال، تمایل به اعتماد و معامله‌کردن با غریبه‌ها)، جغرافیا (مانند سهولت حمل‌ونقل) و نهادها (مثل تأمین حقوق مالکیت) دسته‌بندی کنند. از میان این سه مقوله، احتمالاً نهادها مهم‌تر از همه‌اند. فرهنگ و جغرافیای کره جنوبی و کره شمالی دقیقاً مشابه هم بوده است. همین نمونه خوبی نشان می‌دهد که احتمالاً اساسی‌ترین عامل تحول اقتصادی «نهادها» هستند. دارون عجم‌اوغلو، اقتصاددانی است که نهاد «حقوق مالکیت» را در این باره مورد بررسی قرار داده است.

۴. عجم‌اوغلو و همکارانش در تحقیقاتی وسیع درباره کشورهای این که رشد اقتصادی سریع داشته‌اند، به چند نتیجه اساسی رسیدند: «برابری همگان در برابر قانون» احتمالاً مهم‌ترین مؤلفه نهادی برای رشد اقتصادی است. پایین بودن ریسک سلب مالکیت و محدودیت‌های قانونی



در اختیارات قوه مجری هم بسیار مهم است. وجود فرایندهای سیاسی دموکراتیک و فقدان فساد دولتی نیز رشد اقتصادی را تسهیل می‌کنند. با این حال این نتیجه‌گیری‌ها کلی و مبهم است. چون نهادها را به‌سختی می‌توان مطالعه کرد و مقایسه کشورها با یکدیگر نیز می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

۵. آیا می‌توانیم با اطمینان بگوییم مجموعه‌ای از سیاست‌ها و نهادها را می‌شناسیم که می‌توانند (مشابه آنچه در کره جنوبی رخ داد) موجب رشد سریع اقتصادی شوند؟ راستش را بخواهید، خیر. اما این به معنای عجز کامل نیست. تأثیر حکایت‌های عبرت‌آموز را، دست‌کم نگریسد؛ در مورد کره جنوبی نمی‌گوید که دقیقاً چه کار درستی انجام داد، اما در مورد کره شمالی درس عبرت درخشانی عرضه می‌کند. در واقع، شناختن موانع نهادی بزرگی که پیشرفت را کند می‌کند، به خودی خود دستاورد بزرگی است.



است که او در برابر ستم و بی‌عدالتی و سلطه‌طلبی به شهروندان توصیه می‌کند و حتی وظیفه آنان می‌شمارد. حال منتقدانش، او را برای بیانیه اخیرش زیر سؤال برده‌اند و از او می‌پرسند چطور مقاومت ۷۰ ساله مردم فلسطین در برابر ستم سازمان یافته اسرائیل را ندیده و واکنش به این بی‌عدالتی‌ها را «یهودستیزی» خوانده است؟!

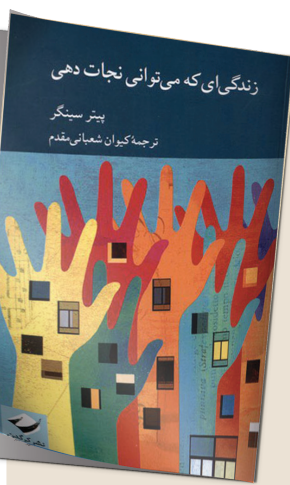
سال‌های تأسیس و بخصوص در سال‌های اخیر مورد تردیدهای بسیاری قرار گرفته است. «گفت‌وگوی خردورانه» ای است که او به واسطه آن شهرت یافته است. بنابراین بیانیه اخیر او به‌طور کلی با مبانی فکری و فلسفی‌اش در تناقض است. منتقدان هابرماس می‌گویند، اندیشه گفت‌وگوی خردورانه نیازمند شرایطی است که باید مورد رعایت همه طرف‌های گفت‌وگو بخصوص قدرتمندان باشد. اما عیارسنجی این اندیشه در نظام بین‌الملل و جامعه جهانی از همان

## با کاستن از سهم خود، جانی را نجات دهیم

در طریقه‌بندی اخلاق‌گرایی دو نقطه قابل تعریف وجود دارد: «اخلاق‌گرایی حداقلی» و «اخلاق‌گرایی حداکثری» و یک حد وسط نیز وجود دارد که عمده انسان‌ها در این محدوده قرار می‌گیرند. حداقل‌گراها می‌گویند که اخلاق را نباید به گونه‌ای تعریف کنید که بار سنگینی به دوش آدم‌ها بگذارد. این گروه، اخلاق را به صورت سلبی تعریف می‌کنند و می‌گویند احسان و نیکوکاری واجب نیست.

اما حداکثرگرایان در اخلاق، معتقدند اینکه نباید ظلم کنیم کف انسانیت است و اگر ظلم کنیم از انسانیت خارج می‌شویم. آنان بر این باورند انسان اخلاقی کسی است که علاوه بر اجتناب از ظلم، نیکوکاری را نیز وظیفه خود می‌داند. در واقع رویکرد آنان را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: «جایی که جانی در خطر است، بخشش وظیفه است.» حداکثرگرایی کار آسانی نیست و بر اساس معیارهایشان شاید ۹۹ درصد انسان‌ها اخلاقی رفتار نکنند چون همگی پیش از دو پیراهن و همگی دو کلبه دارند در حالی که کسانی هستند که پیراهن ندارند و با یک کلبه زندگی می‌کنند.

اما گروه دیگری هم هستند که در میانه این دو رویکرد قرار می‌گیرند و معتقدند ما باید چند شاخص بین حداکثرگرایی و حداقل‌گرایی داشته باشیم. یکی از این شاخص‌ها نزدیکی و دوری ما به افراد نیازمند است. به عنوان مثال اگر جلوی چشم ما یک کودک از گرسنگی در حال مرگ باشد وظیفه داریم به او کمک کنیم. اما برای آن کودک‌ها که نمی‌بینیم کار چندانی از دست ما بر نمی‌آید. اما پیتر سینگر می‌گوید روزگاری این دوری و نزدیکی مکانی و جغرافیایی معنا داشت اما امروزه دیوار میان ما با اطلاعات فقر و گرسنگی از بین رفته است و می‌توانیم ببینیم که چند نفر در روز از گرسنگی و فقر در تنگنا هستند. در این میان سازمان‌هایی هم وجود دارند که می‌توانند کمک ما را به دست آتپاهای برسانند که نمی‌بینیم‌شان. پس می‌شود با کاستن از سهم خود، جانی را نجات داد.



## جایی که جانی در خطر است، بخشش وظیفه است

طرفداران «اخلاق‌گرایی حداکثری» معتقدند اینکه نباید ظلم کنیم کف انسانیت است و اگر ظلم کنیم از انسانیت خارج می‌شویم. آنان معتقدند انسان اخلاقی کسی است که علاوه بر اجتناب از ظلم، نیکوکاری را نیز وظیفه خود می‌داند. رویکرد آنان را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: «جایی که جانی در خطر است، بخشش وظیفه است.» حداکثرگرایی در اخلاق، کار آسانی نیست و بر اساس معیارهایشان شاید ۹۹ درصد انسان‌ها اخلاقی رفتار نکنند؛ چون همگی پیش از دو پیراهن و همگی دو کلبه دارند در حالی که کسانی هستند که پیراهن ندارند و با یک کلبه زندگی می‌کنند!



برش



## نقدی بر بیانیه اخیر فیلسوف آلمانی در حمایت از اسرائیل

## هابرماس در سمت اشتباه تاریخ

به شمار می‌رود در این بیانیه با جانبداری از اسرائیل، عملیات حماس را «قتل عام حماس» در روز ۷ اکتبر که با نیت مخو زندگی یهودیان انجام شده است» (!) توصیف می‌کند و عملیات ارتش اسرائیل را موجه می‌شمارد که در برابر اقدامات تروریستی حماس انجام شده است (!) اما با این توصیه که: اسرائیل باید در عملیات خود علیه فلسطینیان اصل

تناسب، اجتناب از کشتن غیرنظامیان و پیشبرد جنگ با ملاحظه دستیابی به صلح در آینده را رعایت کند. این موضع‌گیری هابرماس و طرفداری آشکارش از اسرائیل، واکنش‌های بسیاری را علیه او و مواضعش در میان اهالی فکر و نظر برانگیخت. این اظهارنظر فیلسوف چپ‌گرای آلمانی در حالی انجام شده است که بسیاری از جریان‌های فکری چپ جهان بنا بر

حمید حبیبی / یورکن هابرماس، فیلسوف آلمانی که به واسطه سفارش به ایران در سال ۱۳۸۱ و سخنرانی‌اش در دانشگاه تهران و از طرف دیگر ترجمه آثارش و ورود نظراتش به کتاب‌های درسی دانشگاهی، چهره شناخته‌شده‌ای میان اهالی اندیشه ایران است در مورد جنگ اسرائیل و غزه موضع گرفت اما در طرف اشتباه تاریخ ایستاد.

او در بیانیه‌ای که به تازگی منتشر کرد «حماسه ۱۷ اکتبر حماس» را اقدامی تروریستی خوانده و با اسرائیل ابراز همبستگی کرده است، ضمن اینکه از گسترش صهیونیسم‌سنجی در جهان هم ابراز نگرانی کرده است.

## موضع‌گیری هابرماس واکنش‌های بسیاری را برانگیخت

هابرماس که از نخله مکتب چپ انتقادی

فلسفه‌ورزی در باب «فقر» و یافتن راه حل اخلاقی برای ریشه‌کن کردن آن در جهان، از دغدغه‌های اصلی پیتر سینگر است. او معتقد است حمایت نکردن از کودکان فقیر در حال مرگ، با کشتن یک فرد از روی عمد فرقی چندانی ندارد. و معتقد است فقر شدید را می‌توان با «بخشش جمعی» ریشه‌کن کرد.



ایده محوری

کتاب این است

که کمک و کار

خیر «وظیفه

اخلاقی» است

و تنها یک

«فضیلت»

نیست و

برای انجام

ندانش همگی

مسئولیم.

برای داشتن

یک زندگی

اخلاقی، ما

«وظیفه داریم»

از رنج و مرارت

همنوعان‌مان

بکاهیم

## راه حل پیتر سینگر، فیلسوف اخلاق و استاد دانشگاه پرینستون برای ریشه‌کنی فقر

## کار خیر «وظیفه» است نه «فضیلت»

## چگونه نقش خود را در پایان بخشیدن به فقر جهانی ایفا کنیم؟

## فلسفه اخلاق

## علیرضا فردوست

«چگونه نقش خود را در پایان بخشیدن به فقر جهانی ایفا کنیم؟» پرسشی کلیدی است که سینگر در کتاب «زندگی که می‌توانی نجات دهی» به آن پاسخ می‌دهد. این کتاب به تازگی به همت انتشارات کرگدن و به قلم کیوان سبحانی مقدم به فارسی ترجمه شده است. پیتر سینگر فیلسوف اخلاق و استاد دانشگاه پرینستون در ایالات متحده آمریکا است. نظریه‌هایش پیرامون اخلاقیات انسانی، او را به شهرت جهانی رسانده چنانکه اغلب آثارش در لیست پرفروش‌های فلسفی قرار می‌گیرد. در بین فیلسوفان سرشناس، کمتر فیلسوفی به شفاف‌اندیشی سینگر آمده است که مفاهیم زندگی واقعی را مطرح کند. «زادی حیوانات» و «اخلاق در دنیای واقعی» از جمله کتاب‌های معروف اوست که مانیفست فکری‌اش را می‌توان در این دو اثر ردگیری کرد.

درآمدی پیش از نیاز خود دارند. او می‌گوید فقر شدید را می‌توان با «بخشش جمعی» ریشه‌کن کرد.

سینگر در کتاب «زندگی که می‌توانی نجات دهی» با بکارگیری استدلال‌های اخلاقی و اشاره به مطالعات موردی، نشان می‌دهد که واکنش کنونی انسان به فقر جهانی نه تنها کافی نیست، بلکه حتی از دیدگاه اخلاقی، غیرقابل دفاع است. این کتاب به ما نشان می‌دهد که چگونه بخشی از

فلسفه‌ورزی در باب «فقر» و یافتن راه حل اخلاقی برای ریشه‌کن کردن آن در جهان، از دغدغه‌های اصلی پیتر سینگر است. او معتقد است حمایت نکردن از کودکان فقیر در حال مرگ، با کشتن یک فرد از روی عمد فرقی چندانی ندارد. او با این نوع نگرش اخلاقی از فقیران حمایت می‌کند و راه‌حلی نیز برای از میان بردن فقر جهانی ارائه می‌دهد که بر مبنای کمک افرادی است که

## حمایت نسل Z آمریکا از فلسطین

## نوام چامسکی

زیاتن‌شاس و متفکر آمریکایی

اسرائیل از آپارتاید بدتر است و می‌خواهد هر طرز شده از دست فلسطینی‌ها خلاص شود. با تغییری که بین نسل جوان، دانشجویان و «نسل Z» رخ داده است امروزه حمایت مردم آمریکا از اسرائیل کاسته شده و به نفع فلسطینیان است.

وضعیت این دوگانه ۵۰،۵۰ است. نگاهی به حمایت‌های حزبی دموکرات‌ها بیندازید، امروزه آنان بیش از اسرائیل از فلسطینی‌ها دفاع می‌کنند. در صورتی که در گذشته بیشتر بدنه حمایتی از اسرائیل توسط لیبرال دموکرات‌ها بوده است. این یک تغییر بزرگ است؛ یعنی کلیت سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه تغییر می‌کند. آمریکا و اسرائیل در طول

سی سال هر نوع اقدام خرابکارانه و ترور را علیه ایران به کار بردند. کشورهای منطقه از خلع سلاح اتمی استقبال می‌کنند، حتی ایران هم به‌طور ضمنی از آن دفاع و جانبداری می‌کند. اما این موضوع همیشه توسط آمریکایی‌ها در مجامع بین‌المللی وتو می‌شود، چرا که آنان نمی‌خواهند تسلیحات اتمی اسرائیل مورد موشکافی و بررسی قرار گیرد.